



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



منافع عربستان از آشتی با ایران تأمین شد

تحلیل‌گران معتقدند عربستان سعودی با حفاظت از خودش در مقابل جنگ اسرائیل و حماس و تنش‌های ناشی از آن در منطقه، توانسته‌است منافع خود را از توافق غافل‌گیرکننده‌ای که سال گذشته برای بهبود روابط با ایران امضا کرد، ببرد. هر چند همچنان مشکلات در رابطه بین دو رقیب قدیمی خاورمیانه باقی مانده است، این توافق آشتی یک دستاورد قابل توجه برای محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی محسوب می‌شود. به قدرت رسیدن بن‌سلمان طوفانی بود و با آغاز جنگ در یمن و محاصره قطر رقم خورد، اما از آن زمان تاکنون این سیاستمدار سعودی رویکرد آشتی‌جویانه‌تری در پیش گرفته‌است که اوج آن در توافق با ایران بود که روز ۱۹ اسفند ۱۴۰۱ اعلام شد. هدف اصلی بن‌سلمان تمرکز بر شتاب دادن اقتصاد داخلی و اصلاحات اجتماعی بود که قرار بود عربستان را به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت خام جهان برای جایگاه مناسب در جهان پس از نفت آماده کند. اما این رویا در صورتی که جنگ غزه در سراسر منطقه فراگیر شود، از بین خواهد رفت. تا به امروز ریاض توانسته‌است به‌رغم اعلام حمایت از آرمان فلسطین از آتش دور بماند و یکی از دلایل اصلی آن این است که دیگر رسماً سر دعوا با حامیان حماس در تهران ندارد.

عزیزالقاصیان، تحلیل‌گر سعودی می‌گوید: «الآن مشخص می‌شود که انتخاب عادی‌سازی روابط بین عربستان سعودی و ایران تا چه اندازه انتخابی استراتژیک بود. آنها عملاً نشان دادند که دشمن یکدیگر نیستند و حتی اگر چنین تردیدی هم وجود داشته‌باشد، حالا دیگر روابط آنها شکل تازه‌ای گرفته‌است.» عربستان سنی و ایران شیعی همواره در منازعه‌های منطقه‌ای از جمله سوریه، لبنان و عراق، در مقابل یکدیگر قرار می‌گرفتند. توافق تهران و ریاض کمک کرد که بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه که متحد ایران است به آغوش جهان عرب بازگردد و به اجلاس سران اتحادیه عرب دعوت شود؛ مسئله‌ای که تا پیش از آن غیرممکن به نظر می‌رسید. اما هنوز همگی وعده‌های این توافق عملی نشده است و برای برخی اختلاف‌ها هنوز راه‌حلی پیدا نشده است؛ از جمله در مورد میدان گازی که عربستان سعودی و کویت به صورت مشترک توسعه می‌دهند. هدی زئوف، مدیر برنامه ایران در مرکز پژوهش‌های استراتژیک مصر در قاهره می‌گوید: «گام‌هایی که توسط دو کشور برداشته شده است، خوب هستند اما توافق همچنان نیازمند اقدام‌های اعتمادساز بیشتری است. یکی از بارزترین مثال‌ها از نتایج مهم توافق برای ایران، جنگ یمن است. بعد از آشتی عربستان سعودی و ایران، در حالی که مقام‌های عربستان سعودی و حوثی‌ها با یکدیگر دیدار می‌کردند، انتظارها برای یک آتش‌بس پایدار افزایش یافت. هر چند همچنان آتش‌بس موقتی که اوایل ۲۰۲۲ به دست آمد، به‌رغم منقضی شدن تاریخ شش‌ماه‌اش، ادامه پیدا کرده است، اما به نظر می‌رسد که شتاب فرآیند صلح متوقف شده است. ماه نوامبر حوثی‌ها کارزار حملات‌شان را به کشتی‌رانی تجاری در دریای سرخ آغاز کردند؛ اقدامی که به گفته آنها در همراهی با فلسطینیان انجام شد. تنش در دریای سرخ بر اهداف اقتصادی و گردشگری عربستان سعودی تأثیر می‌گذارد، اما حوثی‌ها از حمله مستقیم به خاک عربستان کرده‌اند و عربستان هم به انتلاف تحت‌رهبری ایالات متحده آمریکا برای محافظت از کشتی‌ها در دریای سرخ نپیوسته است. تحلیل‌گران می‌گویند که عربستان سعودی و ایران با افزایش ارتباط‌ها برای مهار کردن جنگ اسرائیل و حماس، پیوندهای شان را تقویت کرده‌اند. این پیوند باعث شد که نخستین گفت‌وگوی تلفنی محمد بن سلمان و سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران، درست پنج روز بعد از آغاز جنگ غزه برقرار شود و ماه نوامبر هم رئیسی برای شرکت در اجلاس سازمان همکاری اسلامی به ریاض سفر کرد. القاصیان می‌گوید: «قطعاً تنش وجود خواهد داشت و کسی فکر نمی‌کند تنش به وجود نخواهد آمد اما همین واقعیت که دو طرف با یکدیگر صحبت می‌کنند، مسئله‌ای است که منافع استراتژیک زیادی در پی دارد.» رابعه سیف‌علام، پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک مصر در قاهره می‌گوید که اگر آشتی عربستان و ایران اتفاق نیفتاده بود «احتمال توسعه یافتن جنگ در منطقه افزایش پیدا می‌کرد.»



تکس: ایستا

فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی



هفدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران با موضوع «آینده نظام جهانی؛ سیاست‌ها و الگوهای رفتار ایرانی» صبح دیروز در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد. در این نشست محمدجواد ظریف، علی‌اکبر صالحی، وزیر اسبق وزارت خارجه و علی لاریجانی، رئیس سابق مجلس شورای اسلامی سخنرانی کردند. آنچه در پی می‌خوانید سخنرانی‌های این چهره‌ها در این نشست است

دعوت به عقلانیت

همزمان با قدرت‌گیری رادیکال‌ها در مجلس

محمد جواد ظریف، علی لاریجانی و علی‌اکبر صالحی

بر ضرورت بازگشت میانه‌روی به سیاست داخلی و خارجی کشور تاکید کردند

اما من جایی در خصوص تنهایی استراتژیک چیزی خواندم که به دلم نشست. گفته شد که ایران در طول تاریخش تنهایی استراتژیک داشته است. این تنهایی با انزوای متفاوت است. ما به‌عنوان تلاقی سه قاره می‌توانیم منزوی باشیم. ایران نمی‌تواند منزوی باشد. برعکس، جایگاه ژئواستراتژیک ایران موجب شده که در تاریخ زیر ضرب فشارهای ژئوپولیتیک باشد. البته ایران همواره در بزنگاه‌های تاریخی تنها بوده و این جالب است. مثلاً

جنگ هشت‌ساله زمانی آغاز شد که هیچ‌کس همراه ما نبود. جنگ زمانی رخ داد که ما ارتش نداشتیم و خیلی از شهرها را مردم از نظر امنیتی اداره می‌کردند و هیچ‌کس فریادرس ما نبود. حتی در زمان شاه در بحث ارون‌درد، ایران ضرب شستی به کشور مقابل نشان داد و آمریکا حمایت چندانی از ایران نکرد و تهران را در برابر محور بغداد-مسکو تنها گذاشت. زمان قاجار سعی کردیم متحد استراتژیک پیدا کنیم و گاهی با بریتانیا و شوروی نشستیم که نشد و حتی به آمریکا و آلمان رفتیم و باز هم موفقیت حاصل نشد. در دوران صفویه در برابر امپراطوری عثمانی تنها بودیم و عثمانی با ازبک‌ها اتحاد کردند. حتی در زمان ساسانی‌ها، بیزانس با ترک‌ها همراهی داشتند. این‌ها تنهایی استراتژیک است.

البته هر اتحادی لزوماً اتحاد استراتژیک نیست. زمان شاه آمریکا بود و عده‌ای می‌گفتند شاه نوکر آمریکاست و یک عده می‌گفتند اتحاد باشکوه است. اما همان زمان هم دیدیم این اتحاد استراتژیک نبود. ما می‌خواستیم صنعت فولاد را وارد کشور کنیم، غربی‌ها به ما ندادند و اتحاد جماهیر شوروی داد. لذا ما باید درک کنیم که دچار تنهایی استراتژیک هستیم. ما باید هوشمندانه و واقع‌گرایانه عمل کنیم. جهان‌بینی ما، ما را از واقع‌گرایی منع نکرده است. جهان‌بینی ما، ما را از واقع‌گرایی آرزومند نکرده است و گفته به‌دنبال واقعیت حرکت کن. از رابطه با روسیه ارزیابی درست داشته باشیم و احساسی عمل نکنیم. متأسفانه گاهی اوقات احساسات بر ما غلبه می‌کند. باید راه در میانه قدرت‌ها ایستادن و کار کردن با آنها را بدانیم. آمریکا می‌خواهد همیشه تک‌قطبی خودش را حفظ کند و به‌خاطر همین باید اقتصاد و ارتش قوی داشته باشد. یکی از ابزارهای مهم مهار چین، ابزار انرژی است و یکی از منابع مهم انرژی در خاورمیانه است و تنها کشوری که شیر انرژی‌اش دست خودش است، ایران است. تنها عامل حفظ حکمرانی و نظام ما «مردم» هستند و نباید بگذاریم خدای ناکرده مردم از نظام جدا شوند.

ضرورت هوشمندی و واقع‌گرایی

علی‌اکبر صالحی: دچار انزوای استراتژیک هستیم اما تنها نیستیم

دیگری است. ما جهان‌بینی داریم و با جهان‌بینی دیگران و دنیای غرب تفاوت دارد. ما در عالم واقعیات باید بحث کنیم. براساس آرزوها و میل‌های خودمان تفسیر نکنیم. افراط و تفریط گمراهی است. راه درست راه وسط و اعتدال است. کسی که بر مسند ریاست نشست باید بر رنج سیاست صبر کند.

بپذیریم که جهان دارد در هم تنیده می‌شود و جهان ۲۰۰ و ۳۰۰ سال قبل نیست. در همین ایران «مهاجرت مجازی» داریم. یعنی طرف همین جا زندگی می‌کند ولی برای خارج کار می‌کند. سیاست خارجی ما قطعاً برآمده از سیاست داخلی ما خواهد بود. انطوری که ما در داخل فکر می‌کنیم نتیجه‌اش در سیاست خارجی بروز پیدا می‌کند. دویژگی عمده جمهوری اسلامی یکی برخورداری از استقلال سیاسی است. به این معنا که جمهوری اسلامی بر مدار سیاسی هیچ قدرتی نیست و به قول خانم کریستین امانپور، مجری‌سی‌ان‌ان، ایران با انقلابش تصمیم گرفت دیگر غلام حلقه‌به‌گوش هیچ قدرتی نباشد و این یک واقعیت است. حالا اینکه از این استقلال سیاسی درست استفاده می‌کنیم یا نمی‌کنیم، بحث دیگری است. جمهوری اسلامی ایران به اصول سیاسی خودش پایبند است و در ۴۵ سال این اصول را حفظ کرده است. سیاست اصولی بعدی ایران در ایجاد و حمایت از منظومه مقاومت همچنان پابرجاست و هزینه هم می‌دهد. ما مثل برخی کشورهای همسایه نیستیم که شب یک حرف می‌زنند و صبح حرف دیگری می‌زنند. می‌خواهم عرض کنم که آیا ما الان در جمهوری اسلامی یک کشور تنها و یک کشور منزوی هستیم؟ کشور تنها یعنی با هیچ کشوری ارتباطات تجاری و دیپلماتیک نداشته باشد. آیا ما این هستیم و آیا یک کشور منزوی هستیم؟ یعنی به شکل قابل توجهی از جامعه بین‌المللی جدا شده‌ایم و در تصمیمات نقش چندانی نداریم؟ معتقدم ما نه تنها هستیم و نه منزوی؛ با خیلی از کشورها رابطه سیاسی داریم و عضو خیلی از گروه‌های بین‌المللی هستیم.

علی‌اکبر صالحی، وزیر اسبق خارجه ایران سخنانش را اینگونه آغاز کرد: «قدرت، حرف آخر را می‌زند. چرا خداوند قادر است؟ برای اینکه قدرت دارد و قدرتش هم نسبیست‌پذیر نیست. حضرت علی می‌فرماید «علم قدرت است»، هرکس که به علم دست یافت، چیزه می‌شود و هرکس فاقد آن بود، بر او چیزه می‌شوند. دنیا، دنیای قدرت است و فرمودند که با علوم دقیقه فرق می‌کند. با ذهن افراد کار دارد و با جهان‌بینی افراد سروکار دارد و باید اجازه بدهیم افراد جهان‌بینی خودشان را داشته باشند. برای همین از تضارب آرا سخن می‌گویم و اگر جامعه فرهیخته افلاطونی وجود داشته باشد، بهترین نظر پذیرفته می‌شود اما اگر افلاطونی نباشد، رای آنکه قدرت داشته باشد، چیزه می‌شود.

الان می‌بینیم بدون هیچ راه‌همه و خجالتی در مقابل دیدگان جهان در غزه نسل‌کشی اتفاق می‌افتد و همان آمریکایی که ما را به نقض حقوق بشر و به داشتن سلاح هسته‌ای متهم می‌کند، می‌بینید در غزه چطور برخورد می‌کند؛ این‌ها واقعیت است و باید بپذیریم. جمهوری اسلامی ایران با یک جهان‌بینی به وجود آمده و این جهان‌بینی ما با جهان‌بینی غرب فرق می‌کند. یک جدول دوگانه‌ای را تنظیم کرده‌اند، نه اینکه در همه چیز اختلاف داشته باشیم و در برخی موارد اشتراک داریم و در برخی اختلاف داریم و همین اختلافات به چالش می‌انجامد. در غرب، بحث دموکراسی و حقوق بشر را داریم. جمهوری اسلامی یعنی مردم و بستر ارزشی را داریم که در چارچوب آن حرکت می‌کنیم. در غرب اصالت اصلی بر اصالت فرد است. در اسلام نه اینکه فرد اصالت نداشته باشد ولی اصالت اصلی بر جمع است. در غرب، سکولاریسم را به‌عنوان حکمرانی می‌پذیرند و توصیه می‌کنند و در حکمرانی جمهوری اسلامی بستر دینی با مشارکت مردمی است. در غرب، بحث اقتصاد، بحث کاپیتالیسم است. یعنی قوانین دارند و دولت‌ها نظارت می‌کنند و کار خودش را می‌کند. در جمهوری اسلامی پذیرش اقتصاد خصوصی داریم اما براساس رقابت سالم و مبتنی بر نظارت درونی. در غرب انترناسیونالیسم وجود دارد و ما هم به تعاملات بین‌المللی اعتقاد داریم اما نفی سبیل را نمی‌توانیم بپذیریم. در غرب تاکید بر علم و فناوری است و ما هم به آن اعتقاد داریم. در غرب نظم جهانی دلخواه را ترویج می‌کنند و ما چندجانبه‌گرایی بر مبنای عدل و عدالت در جهان‌بینی. در مکتب اسلام جریمت نیست هر چند متأسفانه مکتب اسلام را درست به نسل جدید معرفی نکرده‌ایم. اینکه ما مکتب اسلام چه کرده‌ایم، بحث